

معرفی یک نسخه خطی کهن از کتاب

الْمُنَصِّصُ فِي شَرْحِ الْمُلَخَّصِ^۱

دکتر محمود یزدی مطلق (فاضل)^۲

چکیده

کتابخانه مبارکه آستان قدس رضوی (ع) بجز منابع معتبر چاپی مجموعه‌ای از کتاب‌های خطی نفیس و ارزشمند دارد که او را جزو کتابخانه‌های مهم جهان بشمار آورده است. در این مقاله به معرفی یکی از متون کهن اسلامی محفوظ در این گنجینه پرداخته شده است به نام - المنصص فی شرح الملخص - که از متن و مآتن و شرح و شارح گفتگو گردیده است.

کتاب حاضر، شامل یک دوره کامل، منطق و فلسفه الهی و طبیعی است که در آن به نقد و نقض حکمت مشاء، پرداخته و بر آراء ابن سینا و فارابی ضربات سختی وارد نموده است. این کتاب، نماینده تفکرات فلسفی در سده‌های ششم و هفتم هجری می‌باشد که در این دو قرن، فلسفه غربی (ارسطویی) به زیر سؤال کشیده شده است.

کلیدواژه‌ها

❖ دستنوشته‌ها، نفایس آستان قدس رضوی. کتاب المنصص فی شرح الملخص

فخررازی، احوال و آثارش. دبیران کاتبی، احوال و آثارش.

کتاب - الْمُلَخَّصُ - در علم منطق و فلسفه، تألیف امام فخررازی، محمد بن عمر بن حسین بن حسن بن علی (۱) است، کنیه‌اش ابوالفضل (۲) یا ابوالعالی (۳) و یا ابوعبدالله (۴) و لقبش - فخر الدین - و نَسَبِش - قرشی - و قبیله‌اش تیمی (۵) و بکری (۶)، بوده، اصلش از مردم طبرستان ایران که در شهر - ری - در ۲۵ رمضان سال هـ. ق ۵۴۴ متولد شده است و در

۱ - گنجی از گنجینه آستان قدس رضوی (ع).

۲ - استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی.

عید فطر سال ۶۰۶ هـ. ق درگذشته است و در محلی به نام - مُزداخان - نزدیک هرات بخاک سپرده شده (۷).

او در اصول عقاید ، پیرو مکتب اشعری و در فروع ، شافعی مذهب بوده است . فخر رازی در تفسیر فقه ، اصول ، کلام ، فلسفه ، تاریخ ، ریاضیات و علوم ادبی ، یگانه زمان خود بوده و مرجع استفادۀ افاضل ، سخنوری توانا و شاعری که به زبان پارسی و عربی شعر سروده است . ابن ابی اصیبعه متوفی ۶۶۸ هـ. ق (۸) و ابن عماد حنبلی متوفی ۱۰۸۹ هـ. ق (۹) ، او را بخوبی ستوده‌اند . خاندان فخر رازی همه از دانشمندان زمانه بوده‌اند . پدرش ضیاءالدین عمر از علمای برجسته و خطیبان مشهور ری بوده (۱۰) و بدین سبب به ابن الخطیب - مشهور شده است .

فخر رازی نخست نزد پدر خود به تحصیل علوم پرداخته چنان که او در کتاب « تحصیل الحق » گوید : من علم کلام و عقائد را نزد پدرم آموختم و او این دانش را از ابی القاسم سلیمان بن ناصر انصاری و او از ابی المعالی امام الحرمین جوینی و او از ابی اسحاق اسفراینی و او از شیخ ابی الحسین باهلی و او از ابی الحسن اشعری و او از ابی علی جبائی فرا گرفت . دانش شرعی را نیز از پدرم آموختم ، و او از ابی محمد حسین بن مسعود فراء بغوی و او از قاضی حسین مروزی و او از قفال مروزی و او از ابی زید مروزی و او از ابی اسحاق مروزی و او از ابی العباس بن سُرَیج و او از ابی القاسم انماطی و او از ابی ابراهیم مزنی و او از امام ابن ادریس شافعی آموخته است (۱۱) .

پس از درگذشت پدرش ، نزد مجدالدین گیلانی که از حکمای معروف آن زمان بوده مدت زیادی حکمت و کلام خواند تا آنجا که گویند کتاب الشامل ، تألیف امام الحرمین جوینی را در علم کلام حفظ کرد و با استادش سفری به مراغه رفت . تا این که در انواع علوم متداول زمان یگانه عصر خود گردید و به اندک زمانی زبان زد ، علمای دینی و معقول گردید و از شهرهای آسیای میانه دیدار کرد ، و چون حافظه سرشاری داشت ، و کلام و حکمت خوب می‌دانست و فن سخنوری را از پدر به ارث برده بود و شاعر و ادیب هم بود و به دو زبان فارسی و عربی سخنرانی می‌کرد و در حال وعظ به وجد می‌آمد و گریه می‌کرد لذا بسیاری

از مردم تحت نفوذ مواعظ و سخنان او قرار می‌گرفتند و عده زیادی به او می‌گرویدند تا آنجا که در هرات به او - شیخ الاسلام - لقب دادند (۱۲).

فخر رازی در سخنرانیهایش حملات شدیدی به کرامیه داشته است ، و متقابلاً کرامیه به او ناسزا می‌گفتند و وی را تکفیر می‌کردند و او را متهم به ارتکاب کبائر می‌نمودند و انواع اتهامات بر او روا می‌داشتند ، از جمله می‌گفتند که فخر رازی به حضرت رسول اکرم (ص) - محمد تازی - و به خود - محمد رازی - می‌گوید (۱۳) . و می‌گویند که فخر رازی شیعه بوده و دارای محبت اهل بیت علیهم السلام ، چنان که در برخی از آثارش ، علی علیه السلام را ستوده و او را شجاع می‌دانسته (۱۴) .

خلاصه آن که حسودان از یکسو و مخالفین عقیده و مذهبش از سوی دیگر بر او خرده می‌گرفتند ، تا آن که گویند وی را مسموم نمودند (۱۵) .

فخر رازی مدتها در خراسان و خوارزم و ماوراء النهر اقامت داشته و مجموعه مناظراتش را در ۵۸۲ هـ. ق در کتابی گرد آورده است . در سال ۵۹۵ هـ. ق که در هرات اقامت داشته با کرامیه مخالفت ورزیده در سال ۵۹۷ هـ. ق با سلطان غور ، غیاث الدین و شهاب الدین به خراسان آمده و به زیارت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام حاضر شدند . فخرالدین رازی در این وقت که صیت فضیلتش جهان گیر و در هر فنی از فنون علمی تصانیف داشته (۱۶) با تمام علمای غور و غزنین و حکمرانان آن زمان در آن مشهد مبارک جمع آمدند و بر آن جا مکتوبی یافتند که حضرت امام همام در وقتی که مأمون با آن بزرگوار بیعت کرده بود ، مرقوم فرموده که یکی از عبارات آن این است : « فقیلت ولایه عهده ان بقیته بعده و انی یکون هذا ما یدلان الجامع و الجفر بضد ذلک » یعنی پس قبول کردم ولایت عهدی او را ، اگر بعد از او باقی بمانم و همانا علم جفر و جامع برخلاف آن دلالت می‌کند .

چون آن مکتوب را بخواندند از امام فخر رازی سؤال کردند که : جامع و جفر چیست ؟ گفت : من نمی‌دانم ، اما در این مشهد ، عالم فاضلی است که او را نصرالدین حمزه (۱۷) می‌خوانند که او از علمای شیعه می‌باشد ، از او سؤال کنید . دانشمند مشاءالیه را طلبیده ، مطلب را از او پرسیدند ، وی برای آنها شرح داد و معلوم شد که جفر و جامع چیست ... (۱۸)

زکریا قزوینی متوفی ۶۸۲ هـ. ق در کتاب آثار البلاد برخی از مباحثات فخر رازی را که در بخارا و خوارزم با علماء داشته است نقل کرده (۱۹).
از ویژگیهای فخر رازی قدرت او در تشکیک و وارد کردن ایرادات بر فلاسفه پیش از خود مخصوصاً فارابی و ابن سینا بوده، بطوری که در بیشتر اصول مسلم فلسفی شک کرده است (۲۰). ابن حجر گوید فخر رازی شبهات و ایرادات را با شرح و بسط زیاد بیان می‌دارد و تجزیه و تحلیل می‌کند، لکن دفع آن شبهات را با نهایت ایجاز و غیرمستدل ذکر می‌نماید (۲۱). همین اعتراضات و تشکیکات او موجب گردید تا فیلسوفان بعد از او همچون خواجه نصیرالدین طوسی، قطب الدین رازی، میرداماد و ملاصدرا مدتها سرگرم جواب دادن به ایرادات او باشند.

تصوّف فخرالدین رازی

گویند فخر رازی در آخر عمر به تصوّف، علاقه نشان داده و به اقوال آنان اظهار تمایل کرده و از خویش فانی شدن را شرط نیل به حق دانسته و عقل بحثی و تخیلات حسّی را که سالها به آن اتکاء داشته، جز حیرت ملحدانه حاصلی برایش نداشته.
چنان که در قطعه پنج بیتي زیر که بر زبان اهل فضل معروف است و ابن ابی اصیبعه با یک واسطه آن را از فخر رازی نقل می‌کند این معنا را بیان می‌دارد (۲۲):

وَعَايَةَ سَعِي الْعَالَمِينَ ضَلَّالٌ	نَهَايَةَ أَقْدَامِ الْعُقُولِ عَقَالٌ
وَحَاصِلُ دُنْيَانَا الَّذِي وَوَيْبَالٌ	وَأَرْوَا حُنَافِي وَحَشَّةٍ مِنْ جُسُومِنَا
سَوِي أَنْ جَمَعْنَا فِيهِ قَبِيلٌ وَقَالُوا	وَلَمْ نَسْتَفِدْ مِنْ بَحْثِنَا طُولُ عُمْرِنَا
فَبَادُوا جَمِيعًا مُسْرِعِينَ وَزَالُوا	وَكَمْ قَدَرًا يَنَامُونَ رِجَالٌ وَدَوْلَةٌ
رِجَالٌ، فَزَالُوا، وَالْجِبَالُ جِبَالٌ ^۳	وَكَمْ مِنْ جِبَالٍ قَدَعَلَتْ شَرَافَاتِهَا

تاج الدین سُبکی متوفی ۷۷۱ هـ . ق ، فخر رازی را اهل دین و تصوف دانسته و گوید :
 « کان من اهل الدین و التصوف وله يد فيه و تفسیره مبنیء عن ذلك ... » (۲۳)

ملاقات فخر رازی با سلطان مجدالدین طالبه که از مشایخ و زهاد عصر بوده و مردی نکته‌دان و مزار وی در هرات از زیارتگاه‌های معروف بوده و غزل را استادانه سروده (۲۴) . و به گفته جامی : در ترک و تجرید و توکل یگانه بوده ، و در جامع هرات بسر می برد . . . امام فخرالدین رازی در وقت وی بوده و به صحبت وی تبرک و تقرب جسته (۲۴) ، و نامه ابن عربی متوفی ۶۳۸ هـ . ق به فخر رازی که در آن نامه او را ستوده ، گرچه هر دو در یک زمان می‌زیستند ولی یکدیگر را ندیده‌اند . ابن عربی او را به اعراض از علوم نظری و تعرض نفاتح الهی و قطع رابطه با خلق و اخذ معرفت بلاواسطه از حق ارشاد نموده است (۲۵) . و ادله دیگری که ذکر آنها از حوصله این مقال خارج است (۲۶) ، همه قرائن گرایش فخر رازی در آخر عمر به تصوف است . مراجعه به تفسیر کبیر امام فخر موسوم به ، مفاتیح الغیب ، که در جای جای آن به لزوم چشم پوشی از لذات دنیا . . . اشاراتی دارد ، از جمله ذیل آیه ۱۲ سوره یونس (۲۷) و . . . « و رساله التنبیه علی بعض الاسرار المودعه فی بعض سور القرآن العظیم و الفرقان الکریم » (۲۸) و نیز مراجعه به آخرین کتابی که فخر رازی

۳- یعنی :

و سرانجام تلاش جهانیان ، گمراهی می‌باشد و حاصل دنیای ما چیزی جز عذاب و رنج نیست جز مشتى قیـــــــــــــــــال و قـــــــــــــــــال که همه‌شان به سرعت ، نابود شدند و زوال یافتند اما همه آنها نابود شدند و کوهها همچنان ، استوار ماندند

پایان قدم‌های (اقدام) عقل‌ها ، پایبند است روح‌های ما در بیکرهایمان پیوسته در وحشت و اضطراب هستند از بحث‌هایمان در طول زندگی چیزی نصیب ما نشد چه بسیار مردان و دولت‌مردانی را دیدیم چه بسا کوه‌های مرتفعی را دیدیم که افرادی به قلّه آنها رسیدند

نگاشته است به نام «المطالب العالیه» که آن را در سال ۶۰۳ هـ یعنی سه سال پیش از فوت خود نوشته (۲۹) جمع بین دو طریق را اختیار کرده - گرچه طریقه اصحاب ریاضت را طریقی عجیب و لذیذ و قوی می‌داند ، لکن آن را کافی نمی‌داند ، چون ممکن است که عائقی باشد از وصول به مطلوب مگر آن که با ممارست طریقه نظر و استدلال بتواند از مغالطه در امان باشد (۳۰) .

از آن چه گفته شد باید توجه داشت که تصوف ستیزی فخر رازی مربوط به دوران قبل از این دوره بوده است ، حتی خرده گیری‌های مولانا بر فخر رازی نیز مربوط به دوران اشتغالش به علوم ظاهری می‌باشد آن جا که گوید :

در چنان ننگی و آنگه این عجب فخر دین خواهد که گویندش لقب (۳۱)
یا در این بیت :

اندین بحث از خرد ره بین بُدی فخر رازی راز دانِ دین بُدی (۳۲)

آثار فخر رازی

امام فخرالدین رازی از جمله دانایان مشهور ایرانی است که در عصر خویش به منتهی درجه شهرت رسیده و در تمام علوم متداول زمان از قبیل : تفسیر ، فقه ، ادب ، فلسفه ، منطق کلام ، پزشکی ، علم الفراسه ، طلسمات و ... دست داشته و تألیفات مهمی در هر فنی از خود بجای نهاده .

بسیاری از مؤلفین به ذکر اسامی آثار فخر رازی پرداخته‌اند که گویا از میان آنها تا این زمان محمد صالح زرکان ، کاملترین تحقیق را در این خصوص نموده است .

او از میان یکصد و نود و چهار کتاب رازی ، نود و سه کتاب را بطور قطع از فخر رازی می‌داند و هفتاد و دو کتاب را مشکوک و بیست و نه کتاب را هم منسوب به او می‌داند در حالی که از آن او نیست (۳۳) .

یکی از کتاب‌های فخرالدین رازی که بطور قطع از آن اوست که هم خود در دیگر آثارش به نام آن اشاره کرده و هم شاگردان او و نویسندگان هم عصر فخر رازی تصریح نموده‌اند

بر این که این کتاب از فخر رازی می‌باشد کتاب: المُلَخَّص فی الحکمه و المنطق = الملخص = الملخص فی الحکمه می‌باشد .

فخر رازی این کتاب را پیش از سال ۵۸۲ هـ . ق تألیف نموده است ، چون حدود این تاریخ ، دانشجویان منطق و فلسفه در سمرقند ، این کتاب و دیگر آثار فلسفی فخر رازی را نزد فرید غیلانی یا الفرید عمر بن غیلان بلخی می‌آموختند ، وی از حکمای ایران در نیمه اول قرن ششم هـ . ق بوده است و از متکلمین برجسته خراسان به شمار می‌رفته (۳۴) و در کتابهایش به نام : حدوث العالم و کتاب التنبیه علی تمویهات کتاب التنبیهات ، و کتاب التوطئه للتخطئه ایراداتی بر منطق ابن سینا و فلسفه او وارد نموده و با این که سلسله نسب استادان او به ابن سینا می‌رسد در عین حال همچون ابن جوزی و غزالی و محمد بن عبدالکریم شهرستانی و فخر رازی از قوی‌ترین مخالفان ابن سینا به شمار می‌رود به عقیده او ، ابن سینا باطنی و باطنی زاده بود و کفر و الحاد و زندقه وی آشکار و سخنان دروغ و فریبنده و گمراه کننده‌اش مایه گمراهی مردم و دور شدن آنان از راه حق و حقیقت گردیده است (۳۵) .

محمد صالح زرکان به نقل از فهرست لیدن نسخه شماره ۱۵۱۰ می‌گوید : در نسخه‌ای که از روی نسخه اصل اسپتسناخ شده است آمده که کتاب المُلَخَّص را مصنف در روز جمعه پنجم شوال سال ۵۷۹ هـ . ق ساخته است (۳۶) .

در هر حال کتاب - المُلَخَّص - شامل سه بخش است : ۱ - منطق ۲ - طبیعیات ۳ - الهیات . به گفته ابن‌خلدون : متقدمان از حکما ، علم منطق را بصورت مدخل و مقدمه علوم می‌پنداشتند نخستین کسی که به منطق بصورت فن مستقلی نگریست نه از این لحاظ که وسیله و ابزاری برای دانش‌ها است ، امام فخرالدین ابن خطیب بوده و پس از او ، افضل الدین خونجی از روش امام فخر دنبال کرد . . . این است که گفتگوی در منطق تفصیل و توسعه فراوان یافت . . . (۳۷) .

چنان که خواهیم دید ، امام فخر در منطق الملخص مباحث و آرائی خاص دارد و با ایراد شبهاتی ، شکست بر منطق ارسطو وارد می‌سازد . او تصدیق را تنها حکم نمی‌داند ، بلکه مجموع تصوّر محکوم علیه و محکوم به و نسبت حکمیه و حکم ، را تصدیق می‌داند . او

تصوّرات سه گانه (محکوم علیه ، محکوم به ، نسبت) را داخل و شطر - و جز و تصدیق می‌داند نه شرط خارج حکم (۳۸) .

او اعتراض بر حجّیت دلالت التزام می‌نماید و آن را مهجور و غیر معتبر می‌داند ، چون اگر لفظ بر خارج لازم خود دلالت کند از دو حال خارج نیست ؟ یا نسبت به همه لوازم است و یا نسبت به لازم بیّن . قسم نخست محال است ، چون برای هر امری ، لوازم نامتناهی هست ، و دلالت لفظ بر تمام لوازم نامتناهی محال است ، قسم دوّم نیز باطل است ، برای این که ممکن است ، لازمی نزد شخصی بیّن و آشکار باشد و نسبت به شخص دیگری غیر بیّن (۳۹) .

فخر رازی تعریف به لازم واحد را - رسم - می‌داند بشرط آن که لازم با ملزوم در صدق مساوی باشند (۴۰) .

او معتقد است که صدق قضیه مهمله متوقف بر صدق جزئیّه است در صورتی که صدق آن متوقف به صدق کلیّه نیست ، و هر قضیه‌ای که این چنین باشد در قوه جزئیّه است (۴۱) . مشهور این است که قضیه ، وقتی موجه است که موضوع و محمول آن ، دو امر وجودی باشند ، و هنگامی قضیه‌ای سالبه است که موضوع و محمول آن دو امر عدمی باشند .

فخر رازی این تعریف را صحیح نمی‌داند و می‌گوید : قضیه وقتی موجه است که در آن به ثبوت امری برای امر دیگری حکم شده باشد ، خواه آن دو امر ، وجودی باشند یا عدمی ؟ همچنین هنگامی قضیه‌ای سالبه است که در آن حکم به سلب امری از امری دیگر شده باشد . خواه ، مسلوب عنه ، وجودی باشند یا عدمی . مثلاً وقتی می‌گوئی :

« کلّ ما لیس بحیّ فهو غیرعالم » این قضیه‌ای موجه است ، چون در این قضیه ، حکم بر دیگری کردی و گفتی که - فهو غیرعالم - و معنی ایجاب هم عبارت است از ثبوت چیزی برای چیز دیگر ، گرچه هر دو طرف قضیه ، عدمی هستند .

اما اگر بگوئی که : « لا شی من الانسان بحجر » ، این قضیه ، سالبه خواهد بود ، برای این که حجر را از انسان ، سلب کردی ، و معنی سلب هم همین است که حکم به سلب چیزی از

چیز دیگر بنمایی، در صورتی که هر یک از دو طرف قضیه، امری وجودی هستند. در قضیه شرطیه نیز، خواه متصله باشد یا منفصله؟ این حکم جاری است (۴۲).



پیروان ارسطو، در صحت تناقض، هشت وحدت را شرط می‌دانستند، وحدت « موضوع محمول، مکان، شرط، اضافه، جزء و کل، قوه و فعل، زمان ».

فخرالدین رازی معتقد است که در تناقض، فقط وحدت موضوع و محمول کافی است، چون بقیه وحدت‌ها به موضوع و محمول بر می‌گردند (۴۳)، بعضی به وحدت موضوع بر می‌گردند و برخی دیگر به وحدت محمول. از جمله وحدت اضافه، داخل در وحدت محمول است، مثلاً وقتی می‌گوید: « زید ابوه عمرو، زیدلیس اباخالد ». محمول در قضیه اولی - ابوه عمرو - است و سلب شده در قضیه دوم - ابوه خالد - است، پس هر یک از دو محمول، غیر از دیگری است و محمول در این دو قضیه - واحد نیستند. همین طور، قوه و فعل هم داخل در وحدت محمول می‌باشند، مثل: زید جالس - و زیدلیس بجالس - مراد از قضیه اول: زید جالس علی الارض، و در قضیه دوم، زیدلیس بجالس علی السماء، است پس می‌بینیم که محمول ایجابی در قضیه اول غیر از محمول سلبی قضیه دوم است، پس وحدتی میان این دو محمول نیست و عدم تناقض این دو قضیه ناشی از عدم اتحاد در محمول است.

اما وحدت موضوع، وقتی می‌گوئیم: « الزنجی اسود » یعنی چهره‌اش سیاه است و چون می‌گوئیم: « الزنجی لیس با سود » یعنی تمام اجزاء زنگی، سیاه نیست مثل دندانهایش.

در این جا نیز عدم تناقض بخاطر عدم وحدت موضوع در این دو قضیه می‌باشد. وحدت شرط هم به وحدت موضوع باز می‌گردد و وحدت مکان و زمان هم به وحدت در محمول بر می‌گردد (۴۴).



فخرالدین رازی از مطلقات، مطلق عرفی را دارای عکس می‌داند و آن را مطلق منعکس خواند. چنان که سلب کاتب از انسان چون در یک حال از یک شخص ممکن است، پس همیشه از همه اشخاص ممکن باشد، و بر آن تقدیر، سالبه دائمه صرف، صادق بود و عکسش کاذب بود، پس منعکس نشود (۴۵).



فخرالدین رازی در مبحث عکس موجه کلی گوید : عکس قضایاء فعلی هم ممکن عام بود ،
و تمسک جسته است به این که چون جایز است که به گوئیم : « کلّ کاتب بالضروره انسان »
با امکان آن که بگوئیم : « لاشيء من الإنسان بکاتب دائماً لا بالضروره » (۴۶) .



فخررازی معتقد است که تکرار حدّ وسط در قیاس لازم نیست ، چنان که در قیاس
مساوات حدّ وسط ، درست تکرار نمی شود . چنان که گوئی : الف ، مساوی - ب - است ، و
ب - مساوی - ج - است ، پس - الف - مساوی - ج - است . بطوری که ملاحظه می شود ،
حد وسط در این قضیه درست تکرار نشده است (۴۷) .

بخش منطق کتاب ملخص ، شامل چند جمله است ، جمله اول در کیفیت اقتناص تصوّرات ،
در دو قسم ، قسم اول مشتمل بر مقدمات ، در آن پانزده مبحث است .

قسم دوّم در مقاصد است ، دارای نه مبحث .

خاتمه : در احکامی که ملحق به قضایا هستند .

باب دوّم : در قیاس ، شامل مقدمات ، مقاصد و لواحق . مقدمات دارای سه مبحث ... باب

سوم : در برهان .

مقاله دوّم : در مغالطات است شامل دو فصل .

پس از بیان مغالطات ، کتاب منطق تمام می شود .

پس از آن بخش دوّم کتاب که - فلسفه - است شروع می گردد .

کتاب اول در امور عامه است

فخر رازی به بحث پیرامون امور عامه و آنچه که جاری مجرای آن است پرداخته ، که عبارت از : وحدت ، کثرت ، وجوب ، امکان ، امتناع ، قدم و حدوث می‌باشد .

مراد از امور عامه ، اموری هستند که مشترک میان واجب لذاته و ممکن لذاته است ، و آن عبارت است از : وجود - وحدت - چون هر موجودی دارای هویت است ، هویت هم همان وحدت است ، چون کثرت هم از حیث کثرت ، وحدت بر او عارض می‌شود ، و مراد از آن چه که جاری مجرای امور عامه هستند ، چیزهایی که مشترک میان اکثر موجوداتند که هستند ماهیت است ، چون هر موجودی ، غیر از واجب الوجود لذاته دارای ماهیتی است غیر از وجودش و نیز دارای وجوب بالغیر که مشترک میان تمام موجودات ممکنه می‌باشد ...

کتاب اول مبحث امور عامه شامل پنج باب است :

باب اول ، در وجود که مشتمل چند بحث است : ص ۲۸۵ .

فخرالدین رازی در قسمت حکمت این کتاب نیز شبیهاتی ایراد نمود و سعی کرده است که حکمت مشاء را با عقاید متکلمان در آمیزد .

او در باب وجود و ماهیت حقّ تعالی ، نظرش موافق متکلمین است و معتقد است که وجود باری تعالی زاید بر ماهیت اوست و جهت اثبات مدعایش پنج دلیل اقامه نموده است (۴۸) .

فخر رازی معتقد است که معدوم ، شیء نیست (۴۹) . او عقیده دارد که إعادة معدوم جایز است و ادله‌ای برای اثبات مدعای خود اقامه نموده (۵۰) .

باب دوم ، در ماهیت است و شامل چند مبحث (۵۱) . او ماهیت را مرکب از جنس و فصل می‌داند ، چنان که جوهر و عرض نیز دارای جنس و فصل‌اند . فخر رازی مفهوم تشخص را امر زاید بر مفهوم نوع می‌داند و آن را امر ثبوتی دانسته (۵۲) ص ۳۱۴ نسخه خطی .
باب سوم ، در وحدت و کثرت است ص ۳۳۳ نسخه خطی .

باب چهارم ، در وجوب و امکان و امتناع است . فخر رازی پس از شرح کامل دربارهٔ مواد سه گانهٔ فوق به کیفیت فیضان ممکنات از علت‌هایشان بحث می‌کند (۵۴) . ص ۳۴۸ نسخه خطی .

باب پنجم ، در قدم و حدوث ص ۳۶۰ نسخه خطی .

کتاب دوم در احکام جواهر و اعراض

شامل مقدمه و دو جمله است . مقدمه ، در بیان حقیقت جوهر و عرض و احکام کلیهٔ این دو ، دارای سیزده فصل .

فخر رازی در این مقدمه اثبات می‌کند که کلیات جواهر (یعنی صور ذهنیهٔ جواهر) ، جواهر هستند و جزئیات ، اولی به جوهریت می‌باشند . چون شی - لیس - است ، چون فی‌الحال ، موجود لا فی الموضوع است ، و الا ، شک در وجود انسان در حال حاضر ، مقتضی شک در جوهر بودن انسان خواهد بود و اینهم محال است ، چون ما بالضروره می‌دانیم که انسان جوهر است ، خواه علم بوجودش فی‌الحال داشته باشیم یا نه ؟ در صورتی که پُر واضح است که صور ذهنیه‌ای که مطابق با جواهر باشند ماهیاتی هستند که هرگاه در خارج یافت شوند لا فی الموضوع خواهند بود ، پس این صور ذهنیه ، جواهر می‌باشند (۵۵) .

فخر الدین رازی عقیده دارد که ممکن است ، شیء واحد ، نسبت به محلّ ، عرض باشد و نسبت به مرکّب جوهر ، همانطور که نسبت به محلّ عرض و نسبت به مجموع حالّ و محلّ ، ذاتی می‌باشد (۵۶) .

او وضع را به سه معنی می‌داند ، اول آن که ، چیزی به گونه‌ای که قابل اشارهٔ حسّی باشد ، که در آن جا یا این جا است . - وضع - به این معنی مثل نقطه است ، در صورتی که - وحدت - این چنین نیست .

دوم - ، وضع - به این معنی است که چیزی دارای اجزاء قاره‌ای باشد که بعضی از آن اجزاء ، متصل به بعض دیگر باشد به طوری که بتوان هر یک از آن اجزاء اشاره کرد .

سوّم ، وضع - اطلاق می‌شود بر هیأتی که برای جسم بخاطر نسبت بعضی از اجزایش به برخی دیگر و نیز به سبب نسبت آن به امور خارج (۵۷) .

فخرالدین رازی از این پس از - کم - و تقسیمات و احکام آن و از - لانهایه - و تناهی ابعاد - و - مقدار - و فرق میان جسم تعلیمی و سطح و خط تعلیمی و این که این امور ، اعراض هستند و زائد بر جسم سخن گفته است و نیز از سطح و نقطه و مکان و بُعد و خلاء و جهات شش گانه و تحدّد جهات بحث کرده است .

فنّ دوّم : در - کیف - شامل یک مقدّمه و چهار قسم ، ص ۴۱۱ .

مقدمه دارای دو فصل . فصل اوّل در رسم کیف دوّم تقسیم کیف قسم اوّل در کیفیات محسوسه که شامل چند باب است : باب اوّل در امور کلیه . باب دوّم در کیفیات ملموسه و .. فخر رازی کیفیات محسوسه را شش نوع می‌داند : ۱ - انفعالیات ۲ - کیفیات مختصه به ذواتِ انفس ۳ - استعداد شدید ۴ - کیفیات مختصه به کمیّات (انفعالیات ، ملکات ، لانفعالیات ، تربیع) .

باب دوّم : در کیفیات ملموسه ، که عبارت است از : حرارت ، برودت ، رطوبت ، یبوست ، لطافت ، کثافت ، لزوجت ، خستگی ، تری ، سبکی و سنگینی .

فخر رازی ، حرارت و برودت را از آشکارترین کیفیات محسوسه می‌داند . او از ماهیّت حرارت عزیزیه و اثبات این که اگر به قول ابن سینا ، رطوبت ، صفت وجودیه باشد ، در عین حال ، محال است که محسوس باشد ، و نیز از سیلان و علّت این که چرا حرارت و برودت ، دو کیف فاعلی و رطوبت و یبوست دو کیف منفعلی هستند ؟ و از لطافت و کثافت و ... و اقسام میل و ... سخن گفته است .

باب سوّم : در مبصرات است . شامل دو قسم ، قسم اوّل در لون - مشتمل بر ده مبحث . فخر رازی در این جا از رنگها و اقسام آنها و از - نور - و این که آن جسم است یا نه ؟ و فرق میان ضوء و نور . و این که - هوا - بی‌رنگ است ، و از - تاریکی و ظلمت و این که آیا نور ، خیر و ظلمت ، شرّ است ؟

بحث خود را در این باب به پایان برده است ؟

باب چهارم : در بیان - صوت و حر ف - است ، در دو قسم .

رازی در اینجا از علّت قریب صوت ، و فرق میان حلول صور عقلیه در نفس و حلول سایر صور در جسم ، و مراتب تعقل و کیفیت تعقل ، و این که علم ، عرض است و از مقوله اضافه یا « نسبت » یعنی وقتی علم برای انسان حاصل می‌شود که نفس ناطقه انسان با شیء خارجی ، نسبتی پیدا کند .

و از اقسام تصدیقات ، و کیفیت حصول علوم اولیه برای انسان ، و نفس با این که بسیط است ، چگونه تعلقات زیادی از او صادر می‌شود ؟ و در اثبات قوه قدسیّه ، و عقل فعلی و انفعالی ، و از عاقل ، و از حرف و نظر و ماهیت و احکام آن بحث کرده است .

باب پنجم : در کیفیات چشیدنی و بوئیدنی ، شامل پنج میحث .

فخر رازی در این باب از - طعوم - و - بوی ها - و از - حال - و ملکه - و علم و نظر ، و ماهیت علم و قوی و احکام قدرت ، و فضائل خلقی و لذت و ألم و علّت ألم و کیفیت التذان ، و صحت و مرض و هیأت کیفیات نفسانیّه ، و فرق میان ضعف قلب و توحش ، اثبات دائره ، کُره ، اسطوانه ، مخروط ، شکل ، زاویه ، تقسیم زاویه و سایر مقولات .

فن چهارم : در علل و معلول ها ، شامل یک مقدمه و چهار قسم .

فخر رازی در این فن از حقیقت علّت و اقسام علّت ها ، ماهیت ماده و ماده اولی به تفصیل سخن گفته است .

فن پنجم : در حرکت و زمان ، شامل چهار قسم است .

امام فخر از کلیاتی پیرامون حرکت سخن گفته و از ماهیت حرکت و وجود حرکت ، و مقولاتی که حرکت در آنها واقع می‌شود ، و نموّ و ذبول و اقسام حرکت ، و نیز از - زمان - و اثبات وجود و بیان ماهیت و احکام آن بحث کرده است .

جمله دوّم : در جواهر ، مشتمل بر سه فن .

فن اوّل : در اجسام

تعریف جسم ، جز لایتجزی ، خط ، سطح ، نقطه ، تجرّد هیولی از صورت ، احکام عامّه اجسام ، مکان طبیعی مرکّب ، اجسام بسیطه و مرکبه ، حقیقت جسم بسیط و مرکّب ، جسم بسیط ، یا جسم بسیط فلکی هستند و یا عنصری ؟ سپس فخر رازی به ذکر احکام هر یک از

آنها پرداخته و از محدّد جهات ، امتناع خرق بر اجسام فلکی سخن گفته و با ذکر دلائلی ، بساطت افلاک را به اثبات رسانده است . و از عدد کُرّات و حرکات سماویه ، و سپس از عناصر عنصریّه و ارکان و احکام آنها و از زمین و حرکات آن و آب و دریاها و احکام آن و مباحث پیرامون آب و آتش و از طبایع چهارگانه و کیفیّات محسوسه و کون و فساد استحاله و عناصر چهارگانه بحث کرده است و این بخش از کتاب خود را با بیان این که - عالم - یکی بیش نیست به پایان رسانده ، سپس در باب دیگری از افعال و انفعالات و حقیقت مزاج و اقسام انفعالات (حرارت و برودت و رطوبت و بیبوست) و از کائنات الجوّ و هاله و قوس و قزح ، رعد و برق و صاعقه ، شهاب ها و بادهای جزر و مدّها و شب و روز و فصول چهارگانه سال و چشمه ها و زلزله ها ، کوهها و معدن ها و علّت تشکیل کوهها ، و اقسام معدن ها و کیفیّت تولّد اجسام و امکان کیمیا و... بحث کرده است و این بخش به پایان می رسد.

فن دوّم : در نفس

شامل یک مقدمه و هشت باب .

مقدمه ، در بیان حقیقت نفس .

باب اوّل در بیان قوای نباتی . در یک مقدمه و سه قسم . مقدمه در تعداد قوای حیوانی ...

باب دوّم در ادراکات پنجگانه ظاهری . (لامسه ، ذائقه ، شامّه ، سامعه ، باصره) و

شرائط حصول ادراک و ابصار و رؤیا .

باب سوّم : در ادراکات باطنی = حواس باطنه و احکام آنها .

باب چهارم : در ماهیّت نفس ، و حدوث آن ، و تناسخ و بقاء نفس و علل نفوس ناطقه ،

وحدت نفس ، نفوس انبیاء و اولیاء و - نُبُوّات - و فرق میان سحر و طلسم ها .

(عنوان باب پنجم دیده نشد)

باب ششم : در احوال نفس بعد از مرگ .

باب هفتم : در معاد جسمانی .

باب هشتم : دنباله مبحث - نفس - نفوس مجردات و نفوس سماویه .

در این جا کتاب دوّم به پایان می رسد .

کتاب سوّم در إنبیات بمعنی الأخص

شامل سه باب

- باب اوّل : در اثبات ذات باری تعالی ، شامل ده مبحث ، اثبات مدبّر عالم .
باب دوّم : در صفات حقّ تعالی فخر رازی این مبحث را بعد از افعال آورده است .
باب سوّم : در افعال الهی .
در این باب از علم الهی بحث می‌کند و کتاب به پایان می‌رسد .



این بود معرفی اجمالی کتاب - الملخص - فخر رازی .

چنان که در جای خود اشاره کردیم ، فخرالدین رازی ، کتاب - الملخص - را در دوران کمال نوشته است و در حیات او جزو کتب درسی بوده است و مرجع فضلا و دانش پژوهان لذا نجم الدین (شمس الدین) محمد بن عبدان دمشقی حکیم لبودی متوفی ۶۲۱ هـ . ق این کتاب را گزین کرده و همو این کتاب را گزارش نموده است (۵۸) . از نسخه خطی این دو اطلاعی در دست نیست .

دیگر از شروح - الملخص - همین شرح حاضر است به نام :

« المنصّص فی شرح الملخص » که محمد صالح زرکان ، اشتباهاً آن را به نام

- المفصّص - ضبط کرده است (۵۹) .

شارح ، دبیران کاتبی ، علی بن عمر بن علی (محمد) (۶۰) ، لقبش « نجم الدین » و کینه‌اش « ابوالحسن » و ابوالمعالی ، زاده شده در سال ۶۰۰ هـ . ق و در گذشته به سال ۶۷۵ هـ . ق از حکمای شافعی مذهب که در علم منطق و ریاضی و رصد ، هندسه و فنون حکمت استادی مسلم بود (۶۱) و همکار خواجه در رصد مراغه که به نقل فصیح خوافی : « بناء رصد مراغه که پنجاه و هفت سال از جلوس چنگیز خان گذشته هلاکوخان فرمود تا خواجه نصیرالدین محمد طوسی به اتفاق حکماء اربعه : مؤیدالدین عرّضی و فخرالدین مراغی و فخرالدین خلاطی و نجم الدین دبیران قزوینی رصد ایلخانی را در مراغه بنا نهادند (۶۲) . علامه حلّی ،

حسن بن یوسف بن مطهر حلی، متوفی ۷۲۶ هـ. ق در اجازه بنی زهره، دبیران کاتبی را ستوده و در وصف او گوید: «کان من فضلاء العصر و اعلمهم بالمنطق، وله تصانیف کثیره قرأت علیه شرح الکشف الا ما شدّ، و کان له خلق حسن و مناظرات جیده و کان من افضل علماء الشافعیه عارفاً بالحکمه» (۶۳).

صاحب دیوان، شمس الدین وزیر، وقتی در - جوین - مدرسه‌ای ساخت، و از نجم الدین کاتبی خواهش کرد، که در آن مدرسه تدریس کند، کاتبی درخواست او را قبول نمود و به - جوین - رفت و مدتی در آنجا به سر برد، و در آن مدرسه تدریس می کرد، در این سفر قطب الدین شیرازی نیز با استاد خود همراه، و سمت - معیدی - درس او را در آن مدرسه داشت. در بعضی از کتب تاریخ مسطور است که: خواجه نصیر وقتی در ملازمت هلاکو به قزوین رسید، به خانه کاتبی نزول کرد (۶۴).

کاتبی، تألیفات نفیس و مفیدی داشته که در میان اهل دانش شهرتی دارد از جمله:

۱ - اثبات واجب = رساله ... کاتبی در این رساله دلیل‌های فلاسفه را در اثبات واجب الوجود از راه ابطال دور و تسلسل رد کرده است، و شعبه‌هایی بر آن دلیل‌ها وارد ساخته که بعدها به - شبهات کاتبی - معروف گردیده است.

رساله اثبات واجب، توسط محمد حسن آل یاسین در بغداد به سال ۱۹۵۶ میلادی در مجموعه‌ای تحت عنوان «مطارحات فلسفیه» چاپ شده است.

✽ یک نسخه خطی از رساله فوق در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۲۹۸ موجود است بدون تاریخ (۶۵).

✽ نسخه دیگری در کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی قم به شماره ۵۰۹۴ م تحریر سده یازدهم هـ. ق (۶۶).

✽ نسخه دیگر در دانشگاه تهران به شماره ۸۶۳ (۶۷).

آغاز: قال المولی الإمام ... أما بعد حمدالله و الثناء علیه بما هو أهله و مستحقّه و الصلوه علی محمد نبیه و آله ...

۲ - اعترافنامه کاتبی. خواجه نصیر، چون شبهات مذکور در رساله اثبات واجب را دید، رساله در پاسخ آنها نگاشت. و چون رساله خواجه بدست دبیران کاتبی رسید، پاسخهای

خواجه را رد کرد و به نزد خواجه فرستاد ، و خواجه از نو به آنها پاسخ داد . دبیران کاتبی چون پاسخ های خواجه را دید ، بخاطر آن که میباید دچار سرنوشت این کمونه شود ، یک اعترافنامه نگاشت و به نزد خواجه فرستاد که همین رساله مورد بحث است (۶۸) .

نسخه ناقص از پاسخ خواجه به اعترافنامه دبیران کاتبی در کتابخانه رضوی و نسخه کامل آن در کتابخانه دانشکده الهیات تهران موجود است . تفصیل این نسخه در احوال و آثار خواجه از صفحه ۴۶۸ تا ۴۷۵ آمده است .

۳ - بحرال فوائد فی شرح عین القواعد . این کتاب ، شرحی است بر کتاب - عین القواعد - خود او که دارای یک مقدمه و سه مقاله و یک خاتمه است . شرحی است مزجی . از این کتاب ، یک نسخه در دانشگاه تهران به شماره ۱۹۲۶ و یک نسخه در مدرسه محمدیه موصل (مخطوطات الموصل ، ص ۱۸۴ و یک نسخه در لیدن و یک نسخه هم در اسکوریال (بروکلن) موجود است (۶۹) .

۴ - جامع الدقایق فی کشف الحقایق . کتاب بزرگی است در منطق شامل اصول و فروع این دانش که چیزی را فرو گذار نکرده است (۷۰) . از این کتاب ، یک نسخه در پاریس و نسخه دیگر در قاهره شناخته شده است .

۵ - حکمه العین . متن بسیار مفید و استواری است در حکمت الهی که چاپ شده است . جهت آگاهی بیشتر از این اثر به دیباچه دوست دانشمند ، آقای دکتر علینقی منزوی بر این کتاب مراجعه شود .

۶ - شرح کشف الأسرار عن غوامض الأفكار . کتاب کشف الأسرار . . . تألیف افضل الدین خونجی متوفی ۶۴۶ هـ . ق است که دبیران کاتبی آن را شرح کرده و همین نسخه حاضر است .

نسخه خطی این کتاب در کتابخانه رامپور هند موجود است . فهرست رامپوری .

۷ - شمسیه . رساله مختصر و معروفی است در منطق که مکرر چاپ شده است .

۸ - عین القواعد . در منطق : نسخه کهنی از این کتاب با تحریر ۲۷ ذی قعدة ۶۸۸ هـ . ق به شماره ۱۱۲۷ در کتابخانه رضوی موجود است . در لیدن و اسکوریال نیز نسخه ای از این کتاب هست . این کتاب به ترتیب شمسیه است لکن بزرگتر از آن .

۹ - مباحثات طبی میان کاتبی و خواجه نصیرالدین طوسی . درباره مزه‌ها ، تنفس ، مزاج و بول که نسخه خطی آنها به ترتیب به شماره :

۱۸۴ / ۲

۱۸۵ / ۳

۱۸۵ / ۳

۷۳۵ / ۲ در کتاب کتابخانه دانشگاه تهران موجود است .

۱۰ - المفصل فی شرح المحصل .

امام فخرالدین رازی کاتبی در کلام نگاشته است تحت عنوان - محصل افکار المتقدمین و المتأخرین من الحكماء و المتکلمین - شامل چهار رکن : ۱ - مقدمات ۲ - تقسیم معلومات ۳ - الهیات ۴ - سمعیات . این کتاب به سال ۱۳۲۳ هـ در مصر چاپ شده است .

دبیران کاتبی این کتاب را شرح کرده است به - قال - اقول ، که آن را به دستور صدراعظم محیی‌الدین ابوالحسن بن عبدالحمید قزوینی ساخته است .

نسخه شماره ۹۱۴ کتابخانه آستان قدس رضوی و یک نسخه هم در اوقاف بغداد هست ، الکشاف عن مخطوطات الاوقاف : ۱۲۲ .

۱۱ - مناقشات کاتبی ، در ردّ بر خواجه نصیرالدین طوسی در اثبات واجب .

این رساله در سال ۱۹۲۶ میلادی توسط محمد حسن آل یاسین در بغداد ضمن مجموعه‌ی چاپ شده است .

۱۲ - نقیض عام = رساله فی ... خواجه نصیر این رساله را پاسخ داده است .

نسخه خطی نقیض عام در دانشگاه تهران ، جزو کتب اهدائی استاد مشکوة به شماره ۱۰۳۵ موجود است .

۱۳ - بعض الابحاث .

نسخه خطی کتابخانه احمدیه موصل . فهرست مخطوطات موصل : ۳۵

۱۴ - المنصص فی شرح الملخص .

دبیران کاتبی این شرح را به وزیر شمس‌الدین محمد جوینی اهداء کرده است . تاریخ فراغت از این گزارش دوشنبه ۲۸ شعبان سال ۶۷۱ هـ . ق بوده است . شامل بخش منطق و

الهیات و طبیعیات ، که فهرست آن را ضمن معرفی متن ملاحظه فرمودید . برخی از آراء خاصه دبیران کاتبی :

او همچون فخر رازی مخالف حکمت مشاء بوده است ، و سلسله عقول عشره را نپذیرفت و بدین جهت برخی از قانون‌های اصلی و مسلم فلسفی نزد فلاسفه مشاء را رد می‌کند از جمله :

❖ قاعدة لا یصدر من الواحد الا الواحد .

❖ مقارنه هیولی للصوره .

❖ افتقار النفس فی التأثیر إلى البدن .

❖ الصادر الاول جوهر .

❖ کاتبی تکثر عقول را نیز نپذیرفت .

❖ اثبات صانع را از راه ابطال تسلط باطل می‌داند .

❖ دلیل متکلمان ، درباره مختار بودن و عالم بودن صانع را رد می‌کند .

❖ درباره فضا ، برهان سلمی را برای متناهی بودن فضا کافی نمی‌داند و آن را باطل می‌کند .

❖ برهان مسامته را باطل می‌داند .

از کتاب المنصص فی شرح الملخص ، پنج نسخه خطی سراغ داریم که قدیمی‌ترین آنها نسخه کتابخانه رضوی است که کامل و شامل هر سه بخش منطق و الهیات و طبیعیات است و تاریخ کتابت جمعه غره جمادی الثانی ۶۹۳ هـ . ق یعنی ۱۸ سال پس از فوت شارح تحریر یافته است به خط نسخ ۲۳ سطری . کمی رطوبت دیده . قطع ۱۸ × ۲۶ س . شماره ۱۲۰۱ . نسخه دیگری از این کتاب به شماره ۸۳۸۱ در کتابخانه شهید مطهری (سپهسالار سابق) می‌باشد که ادیب پیشاوری از روی نسخه رضوی نوشته است .

نسخه دیگری به شماره ۸۵۶ در کتابخانه مجلس ، جزو کتاب‌های طباطبائی .

نسخه چهارم در قاهره ، کتابخانه الازهر به شماره ۱۱۷ منطق وجود دارد که تصویر آن

در معهدالمخطوطات مصر موجود است .

و نسخه پنجم به شماره ۸۳۲ کتابخانه کوبریلی در استامبول می‌باشد .

این بود اشاره‌ای کوتاه و بسیار مختصر به کتاب شریف - المنصص - بسیاری مطالب جالب و نو در آن دیده می‌شود که تحقیق زیادی می‌طلبد .

امید است این نسخه نفیس هر چه زودتر به حلیه طبع در آید ، چون :

تا به سنگ اندرون بود گوهر کس نداند که قیمتش چند است

هرگاه به امری تصمیم گرفتی به عاقبت آن بیندیش
اگر مایه رشد و سعادت توست بدنبال آن برو و
اگر موجب گمراهی توست از آن صرف نظر بنما .

« وسائل الشیعه ج ۱۵ / ص : ۲۸۲ »

مآخذ

- ۱ - وفيات الاعيان وأنباء أبناء الزمان . تأليف ابن خلکان ، احمد بن محمد ، متوفى ٦٨١ هـ .
ق . قاهره ، النهضة ، ١٣٦٧ هـ . ق : ٣ / ٣٨١ .
- ٢ - قفطى ، على بن يوسف متوفى ٦٤٦ هـ . ق . تاريخ الحكماء . ترجمه فارسى از قرن
يازدهم هجرى . تهران ، انتشارات دانشگاه تهران ، ١٣٧١ هـ . ق : ٣٩٦ .
- ٣ - تراجم رجال القرنين السادس و السابع المعروف بالذيل على الروضتين . تأليف
أبى الشامه المقدسى الدمشقى ، عبدالرحمن بن اسماعيل ، متوفى ٦٦٥ هـ . ق . بيروت ،
دارالجيل ، ١٩٧٤ م : ٦٨ .
- ٤ - بنقل ديگر نويسندگان .
- ٥ - منسوب به - بنى تيم بن مره - است كه يکى از قبائل قريش بودند . خوانسارى ،
تيميى ، ضبط کرده است (روضات الجنات : ٨ - ٣٩) .
- ٦ - منسوب به - ابوبکر -
- ٧ - وفيات الاعيان : ٣ / ٣٨٤ .
- ٨ - عيون الأنباء فى طبقات الأطباء . تأليف ابن ابى اصبيعه ، احمد بن قاسم ، متوفى ٦٦٨ هـ .
ق . بيروت ، الحياه ، ١٩٦٥ م : ٤٦٢ .
- ٩ - شذرات الذهب فى اخبار من ذهب . تأليف ابن عماد حنبلى ، عبدالحى بن عماد ، متوفى
١٠٨٩ هـ . ق . بيروت ، داراحياء التراث العربى ، [بى تا] : ٥ / ٢١ .
- ١٠ - إكتفاء القنوع بماهو مطبوع . تأليف ادوار فنديک . قم ، کتابخانه آيه الله مرعشى .
١٤٠٩ هـ . ق : ١٦٦ و ١٦٧ .
- ١١ - وفيات الاعيان : ٣ / ٣٨٤ .
- ١٢ - روضات الجنات : ٨ / ٤٠ .

- ۱۳ - تراجم رجالی القرنین : ۶۸ .
- ۱۴ - لسان المیزان : تألیف ابن حَجَر عَسْقَلانی ، احمد بن علی متوفی ، ۸۵۲ هـ . ق . بیروت ، دارالفکر ، ۱۴۰۷ هـ . ق : ۴ / ۵۰۱ .
- ۱۵ - تراجم رجال القرنین : ۶۸ .
- ۱۶ - آتشکده آذر - تألیف لطفعلی بیگ آذر بیگدلی . تهران ، نشر کتاب ، ۱۳۳۷ شمسی : ۲۲۱ .
- ۱۷ - در کتاب تاریخ طبرستان ، تألیف اسفندیار کاتب تألیف شده در سال ۶۱۳ هـ . ق . تصحیح عباس اقبال ، تهران ، پدیده ، ۱۳۶۶ شمسی : قسم اول / ۲۰۱ « نصیرالدین حمزه بن محمد » آمده است .
- ۱۸ - التدوین فی احوال جبال شروین . تألیف محمد حسن خان اعتماد السلطنه . تهران ، دنیای کتاب ، ۱۳۷۳ شمسی : ۱۱۷ .
- ۱۹ - ترجمه آثار البلاد و اخبار العباد . از محمد مراد بن عبدالرحمان . تهران ، دانشگاه تهران ، ۱۳۷۳ شمسی : ۲ / ۱۳۸ - ۱۳۷ .
- ۲۰ - الکنی و الألقاب . تألیف شیخ عباس قمی . نجف ، مطبعه الحیدریه ، ۱۳۸۹ هـ . ق . : ۱۴ / ۳ .
- ۲۱ - لسان المیزان : ۴ / ۵۰۰ .
- ۲۲ - عیون الأنباء : ۴۶۸ .
- ۲۳ - طبقات الشافعیه الكبرى . تألیف تاج الدین سبکی ، عبدالوهاب بن علی متوفی ۷۷۱ هـ . ق . قاهره ، حلبی : ۵ / ۳۵ (این کتاب شامل شرح حال مشاهیر فقهای شافعیّه از قرن سوّم تا قرن هشتم هجری می باشد) .

- ۲۴ - نفحات الانس من حضرات القدس . تألیف جامی ، عبدالرحمن بن احمد ، متوفی ۸۹۸ هـ . ق . تهران ، محمودی (۱۳۳۷ شمسی) : ۳۵۵ و ۳۵۴ .
- ۲۵ - تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی . تألیف سعید نفیسی . تهران ، فروغی ، ۱۳۴۴ شمسی : ۲ / ۷۵۰ .
- ۲۶ - تمام این رساله ضمن مجموعه رسائل ابن عربی چاپ شده است . رسائل ابن عربی حیدرآباد دکن ، دائره المعارف العثمانیه ، ۱۳۶۷ هـ . ق . رساله ۱۵ .
- ۲۷ - ر . ک : مجله المعارف ، ویژه فخر رازی . تهران ، مرکز نشر دانشگاهی ، ۱۳۶۵ شمسی ، مقاله آقای دکتر نصرالله پورجوادی ، تحت عنوان رابطه فخر رازی با مشایخ صوفیه .
- ۲۸ - تفسیرالکبیر ، لامام الفخر الرازی . چاپ اول : ۱۷ / ۵۲ و ۵۳ .
- ۲۹ - تصحیح و تعلیق نگارنده این سطور . چاپ شده در مجله سیمرغ ، شماره ششم ، سال ۱۳۶۹ شمسی : صفحه ۴۵ به بعد .
- ۳۰ - تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی تا اواسط قرن پنجم . تألیف دکتر ذبیح الله صفا متوفی ۱۳۷۸ شمسی . تهران ، امیرکبیر ، ۱۳۵۶ شمسی ۱۷۹ - ۱۷۸ .
❁ عیون الانباء : ۴۷۰ .
- ۳۱ - المطالب العالیه من العلم الالهی . تألیف امام فخرالدین رازی . بیروت ، دارالکتاب العربی ، ۱۴۰۷ هـ . ق : ۱ / ۵۴ و ۵۸ .
- ۳۲ - مثنوی معنوی . تألیف جلال الدین محمد بن محمد بلخی رومی . [تهران ، انتشارات مولی ، ۱۳۶۲ شمسی] : دفتر اول بیت ۱۳۵۰ .
- ۳۳ - همو : دفتر پنجم ۴۱۴۴ .
- ۳۴ - فخر الدین الرازی و آراؤه الکلامیه و الفلسفیه . تألیف محمد صالح زرکان [قاهره ، دارالفکر ، ۱۳۸۳ هـ . ق :] ۱۶۴ - ۵۶ .

- ۳۵ - تتمه صوان الحکمه : ۱۵۶ .
- ۳۶ - رساله حدوث العالم فرید غیلانی نسخه خطی .
- ۳۷ - فخر الدین الرازی : ۹۰ .
- ۳۸ - مقدمه ابن خلدون . تألیف عبدالرحمن بن خلدون ، ترجمه محمد پروین گنابادی . تهران ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، ۱۳۴۷ شمسی ؛ ۲ / ۱۰۲۷ .
- ۳۹ - المنصص : ۲
- ۴۰ - همو : ۱۴
- ۴۱ - همو : ۷۴
- ۴۲ - همو : ۹۵
- ۴۳ - همو : ۸۶
- ۴۴ - همو : ۱۱۷
- ۴۵ - همو : ۱۱۷
- ۴۶ - همو : ۱۱۹ و اساس الاقتباس . تألیف خواجه نصیرالدین طوسی ، محمد بن محمد . تهران ، دانشگاه تهران ، ۱۳۵۵ شمسی : ۱۵۹
- ۴۷ - المنصص : ۱۲۶
- ۴۸ - همو : ۱۶۳
- ۴۹ - همو : ۲۹۲
- ۵۰ - همو : ۳۰۶
- ۵۱ - همو : ۳۰۹
- ۵۲ - همو : ۳۱۴
- ۵۳ - همو : ۳۲۳
- ۵۴ - همو : ۳۲۷
- ۵۵ - همو : ۳۵۵

۵۶ - همو : ۳۶۶

۵۷ - همو : ۳۷۴

۵۸ - همو : ۳۸۰

۵۹ - کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون . تألیف حاجی خلیفه ، مصطفی بن عبدالله . بغداد [بی تا] : ۲ / ۱۸۱۹ . حاجی خلیفه گزین کننده و گزارش کننده را دو تن دانسته ، نویسنده یکی نجم الدین و دیگری را شمس الدین دانسته ، در صورتی که از صفحه ۸۳۱ و صفحه ۹۵ همین کتاب کشف الظنون این مدعا تأیید می شود .

۶۰ - فخرالدین الرازی : ۹۰ .

۶۱ - هدیه العارفین . تألیف اسماعیل پاشا بغدادی . استانبول ، ۱۹۵۱ م : ۱ / ۷۱۳ . نام جدّ دبیران کاتبی را - محمد - نوشته و او را شیعی معرفی کرده است .

۶۲ - فوات الوفیات تألیف محمد بن شاکر کتبی متوفی ۷۶۴ هـ . ق . بیروت ، دارصادر ، ۱۹۷۴ م : ۳ / ۵۶ .

۶۳ - مجمل فصیحی . تألیف فصیح احمد بن جلال الدین محمد خوافی متولد ۷۷۷ هـ . ق . مشهد ، باستان ، ۱۳۴۱ شمسی : ۲ / ۳۲۶ .

۶۴ - بحار الانوار . تألیف علامه مجلسی ، محمد باقر بن محمد تقی متوفی ۱۱۱۱ هـ . ق . بیروت ، دار احیاء التراث العربی ، ۱۴۰۳ هـ . ق : ۱۰۷ / ۶۶ یعنی : « او از فضیلتی زمان و دانشمندترین آنها به علم منطق بوده ، و کتابهای زیادی تألیف نموده ، من - شرح کشف - را جز اندکی از آن بقیه را نزد او خواندم ، اخلاقش نیکو و مناظرات خوبی داشته و دانشمندترین علمای شافعی بوده و حکمت بخوبی می دانسته » .

۶۵ - احوال و آثار ... نصیرالدین طوسی . تألیف محمد تقی مدرس رضوی . تهران ، بنیاد فرهنگ ایران ، ۱۳۵۴ شمسی : ۲۲۶ و ۲۲۷ .

- ۶۶ - فهرست الفبائی کتب خطی آستان قدس رضوی . تألیف محمد آصف فکرت . مشهد . کتابخانه رضوی ، ۱۳۶۹ شمسی : ۱۹ .
- ۶۷ - التراث العربی فی خزانه آیه الله العظمی مرعشی . قم ، کتابخانه مرعشی ، ۱۴۱۴ هـ . ق : ۱ / ۴۶ .
- ۶۸ - ایضاح المقاصد من حکمه عین القواعد ، یا شرح حکمه العین . مقدمه علینقی منزوی . تهران ، [به کوشش سید محمد مشکوه] ۱۳۳۷ شمسی : ۸ - ۹ .
- ۶۹ - فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران . تهران ، دانشگاه تهران ، ۱۳۴۵ شمسی : ۱۵ / ۲۳۶ .
- ❖ تبصره و دو رساله دیگر در منطق . تألیف ابن سهلان تهران ، دانشگاه تهران ، ۱۳۳۷ شمسی ، مقدمه آقای محمد تقی دانش پژوه : ۱۵ .
- ۷۰ - کشف الظنون : ۱ / ۵۴۰
- ❖ هدیه العارفین : ۱ / ۷۱۳
- ❖ دیباچه ایضاح المقاصد : ۷